

موضع یک روحانی اصیل
در برابر تبلیغات طرفداران یک نامزد انتخاباتی لیبرال

اگر در ایران جز بنی صدر نباشد من به او رای نخواهم داد

اشاره

حاج شیخ عبدالرحمن حیدری اسلامی از دنیا رفته بود، در قم در مسجد رفعت صفائیه مجلس گرفتند، مجلس معظمی بود و حضرت آیت الله بهاءالدینی هم شرکت داشتند، پس از پایان مجلس که بیرون آمدیم اظهار فرمودند: «ما در بین مجلس ایشان را دیدیم که هیچ قدرات نداشت، بدن ایشان و استخوان‌های او مانند بلور بود»^۱

آیت الله بهاءالدینی چند بار در دیدار با روحانیون، رزمندگان و مردم ایلام اظهار داشته بودند که: «ای کاش آیت الله حیدری را در قبرستان ایلام دفن می کردید تا خداوند عذاب را از قبرستان آن شهر برمی داشت».

او در آغاز معلم بود. شبی در عالم خواب می بیند که وجود مقدس ائمه هدی (علیهم السلام) با جمعی از مردم و دانش آموزان بر او وارد می شوند، بچه‌های را که به همراه داشته باز می کنند، قبایی را از آن خارج می کنند، بر تن او می پوشانند، عصایی به دستش می دهند و به او امر می کنند این جمله را به مردم بیاموز: «ولایة علی بن ابی طالب حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی»^۲ با این رؤیا آیت الله حیدری شغل معلمی را رها می کند و راهی کربلا می شود، او که در طول دوران تحصیل در کربلا، سامرا و نجف و استفاده از مراجع بزرگ وقت در درس ولایت فقیه امام خمینی هم شرکت می کند، از چنان علم و زهد و تقوایی برخوردار بود که برای برخی افراد یک‌سونگر به علم و معرفت تعجب‌آور بود که چگونه فردی چنین زاهد وارد عرصه سیاست می شود.

روزی آیت الله حیدری در کنار هم‌مباحثه دوران تحصیلش آیت الله معرفت و چند روحانی دیگر از ایلام نشسته بود که فرزند بزرگش شیخ محمد حیدری وارد می شود و می گوید در خیابان به فلان آقا (از آیات و دوستان



دوران نجف آیت‌الله حیدری) رسیدم؛ او گفت: دیگر از آقای حیدری با آن زهد و تقوا بعید است این‌گونه وارد سیاست شود که حتی لباس عساکر (لباس نظامی) بپوشند. آیت‌الله حیدری در همان جمع به او می‌گوید: و تو چه جواب دادی؟ شیخ محمد می‌گوید: هیچ. و آیت‌الله حیدری با عصیانیت می‌گوید: باید می‌زدی توی دهانش. حماسه روز نخست جنگ تحمیلی و پوشیدن لباس رزم و جلوگیری او از عقب‌نشینی نیروهای ارتش موجب شد بخش بزرگی از منطقه غرب سقوط نکند و نیز بسیج نیروهای عشائری و نقش محوری وی در آزادسازی ارتفاعات میمک از افتخارات «روحانیت اصیل» در عرصه نبرد نظامی است. او از مال دنیا چیزی نداشت و استفاده از منزل گلی خیابان آذر از سوی ورثه را منوط به اجازه مراجع دانست و با وجود مملو بودن محل سکونتش در ایلام از اجناس و پول برای رزمندگان و جنگ‌زدگان، شب عروسی دخترش از فرمانده سپاه ایلام تقاضای پول قرضی از جیب شخصی‌اش می‌کند. در جایگاه یک روحانی اصیل و نماینده مردم در مجلس خبرگان از مدافعان ولایت بود که ذره‌ای در مقابل انحراف و التقاط سکوت نکرد. شاید بزرگ‌ترین درسی که آیت‌الله حیدری به همراه دیگر شاگردان امام خمینی به نسل کنونی حوزه منتقل کرد، این بود که با تأسی به مولای متقیان امیرالمؤمنین (ع) عرفان واقعی و سیر و سلوک معنوی را باید در عینیت جامعه و در عرصه کارزار با شیطان و شیطانک‌ها جست و جو کرد و فریاد و خروش و نقد و به دست گرفتن اسلحه و ایستادگی در مقابل منحرفین، هرگز منافاتی با بالا رفتن از پله عرفان ندارد. چهره برزخی آن پیر فرزانه در نگاه آن عارف زمانه چون چهره برزخی همه یاران و شهیدان خمینی درسی برای نسل کنونی است که باید برای خدا به میدان رفت و از مال و جان و آبرو مایه گذاشت و یقین داشت که در این

میدان هم می‌توان لطافت‌های معنوی را چشید. آنچه از نظر می‌گذرد، تنها بخشی از صلابت این زاهد عارف در برابر لیبرال‌های خود فروخته است.

مخالفت با ریاست جمهوری بنی‌صدر

با مطرح شدن نام ابوالحسن بنی‌صدر به عنوان یکی از نامزدهای ریاست جمهوری در میان داوطلبان این پست در دور نخست انتخابات ریاست جمهوری، آیت‌الله حیدری به صراحت در مقابل بنی‌صدر و جریان وابسته به او موضع گرفتند؛ او در این باره می‌گوید:

«... در منزل یکی از برادران مؤمن جلسه‌ای داشتیم... صحبت بنی‌صدر بود و بعضی از برادران اصرار داشتند، گفتم اگر در ایران نباشد مگر یکی نفر و آن هم بنی‌صدر باشد، من رأی به او نخواهم داد چون او را شناختم».

آیت‌الله حیدری با اعلام پشتیبانی از نامزد جامعه مدرسین همراهی خود را با یاران امام و مخالفت با جریان لیبرال اعلام کرد. انتخابات ریاست جمهوری در روز جمعه ۱۳۵۸/۱۱/۱۵ با پیروزی بنی‌صدر که در حقیقت به قدرت رسیدن لیبرال‌ها در کشور و به تبع آن جان‌گرفتن گروه‌ها و دستجات التقاطی در کشور (در ماه‌های

رزمندگان قهرمان و انقلابی ایلام و مهران که فساد وجود بنی‌صدر را از زبان آیت‌الله حیدری، رهبر روحانی خود، شنیده بودند با وی درگیر شدند و از سخنرانی‌اش جلوگیری کردند و سقوط او هم از همین جا پی‌ریزی شد؛ زیرا چند روز بعد از این واقعه بود که مجلس شورای اسلامی رأی به بی‌کفایتی او داد و از منصب ریاست جمهوری و فرماندهی کل قوا خلع شد

آغازین ۱۳۵۹) بود پایان یافت، در این‌جا بود که جریانی پیچیده‌تر از جریان دولت موقت شکل گرفت.

در همین زمان، تحرکات مرزی و آغاز جنگ تحمیلی سبب شد که آیت‌الله حیدری عملاً درگیر رسیدگی به امور رزمندگان شود و از فضای پرهیاهوی سیاسی تا حدودی دور ماند. او با اولویت قراردادن آنچه امام خمینی (ره) آن را اولویت اول نظام و دولت می‌خواندند، هم سفره نان سرد و خشک رزمندگان شده بود و علی‌رغم مشکلات موجود از هیچ فرصتی در بین خواص برای بیان مواضع خود درباره خطر اندیشه‌های بنی‌صدر و لیبرال‌ها دریغ نمی‌کرد، به گونه‌ای که سطح آگاهی نیروهای وفادار به امام و انقلاب و عامه مردم را به نقطه‌ای رساند که آنان در روز ۱۹ خرداد ۱۳۶۰ - روز ورود بنی‌صدر به ایلام - تکلیف خود را شناختند و بدان عمل کردند. این‌جا بود که آیت‌الله حیدری در صف ماندگاران یاران امام قرار گرفت و به نشانه‌ای برای خط اصیل امام و انقلاب تبدیل شد.

تشکیل جامعه روحانیت مبارز ایلام پس از شکل‌گیری جامعه روحانیت مبارز در سال ۱۳۵۶ توسط شهید بهشتی، شهید مطهری و شهید مفتوح را می‌توان حرکتی در امتداد حرکت نهضت روحانیت در این مقطع به حساب آورد. در این زمان آیت‌الله حیدری به جز نماینده «جامعه روحانیت مبارز» و «حزب جمهوری اسلامی» نماینده جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و نیز «دفتر تبلیغات اسلامی» که در آن مقطع نقشی تأثیرگذار در معادلات سیاسی فرهنگی در کشور ایفا می‌کرد به شمار می‌رفت و حرکت او منطبق با آرمان‌های امام (ره) و نهضت روحانیت بود؛ به گونه‌ای که همواره کسانی مانند شهید بهشتی با بیان خود سخن آیت‌الله حیدری را سخن خود و امام می‌خواندند. جایگاهی را که نمایندگان مجلس خبرگان قانون اساسی چون آیت‌الله حیدری برای مجلس شورای اسلامی با رهنمودهای

حضرت امام خمینی (ره) تصویب کرده بودند، از چنان قدرتی برخوردار بود که راه را بر هر گونه ظهور دیکتاتوری می‌بست. علاوه بر این مجلس اول شورای اسلامی وظایف مهمی چون تأسیس نهادهای انقلابی، توزیع عادلانه ثروت و برداشتن مظاهر نظام شاهنشاهی را در پیش رو داشت، شرکت بسیاری از عناصر گروهکی تا عناصر طراز اول جریان‌های مختلف در این انتخابات در سراسر کشور نشان از اهمیت به دست آوردن کرسی‌های این مجلس داشت. در این مقطع درخواست آیت‌الله حیدری ایلامی از مردم استان در اطلاعیه‌ای به نام «جامعه روحانیت ایلام»، برآورده کردن

بنی‌صدر را در امر دفاع از سرزمین‌های اسلامی در تجاوز رژیم بعثی در جبهه‌های جنگ مشاهده کرده و در شهر شاهد اهانت‌های وابستگان فکری او به یاران امام (ره) به ویژه شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی بود، همواره در این اندیشه بود که مردم و امام (ره) تا کجا می‌توانند چنین شخصی را تحمل کنند. گویی تقدیر چنین بود که تلاش‌های یاران امام (ره) در سراسر کشور به همراه او در مهار قدرت‌طلبی‌ها و خیانت‌ها و غوغاسالاری‌های بنی‌صدر توسط وی و یاران حزب‌اللهی‌اش شتابی کم‌تر از ۲۴ ساعت به خود بگیرد. در اواخر خرداد ماه بنی‌صدر تصمیم به



انتظار رهبری انقلاب و فرستادن نماینده‌ای معتقد به قانون اساسی جمهوری اسلامی و پیرو خط امام (ره) بدون در نظر گرفتن گرایش‌های قبیل‌های و قومی بود. انتخابات مجلس در تاریخ ۲۴ اسفند ۱۳۸۵ برگزار شد و بیش‌تر کرسی‌های مجلس به دست نیروهای وفادار به امام (ره) و انقلاب افتاد؛ به گونه‌ای که پس از افتتاح مجلس در هفتم خرداد ۱۳۵۹ نمایندگان این مجلس در حرکتی انقلابی در ۳۱ تیر ۱۳۵۹ یعنی ۵۰ روز پس از افتتاح مجلس، نام مجلس شورای ملی را به مجلس شورای اسلامی تغییر دادند. آیت‌الله حیدری که از نزدیک خیانت‌های

دیدار از شهرهای غرب کشور و برخی مناطق مرزی گرفت. اعلام برخورد مردم ایلام با بنی‌صدر در صورت ورود به این شهر در تاریخ ۱۹ خرداد ۱۳۶۰، شهر ایلام را به سوی رویارویی نیروهای حزب‌اللهی و جریان لیبرال و نفاق سوق داد. جمعی از خانواده‌های شهدا و نیروهای حزب‌اللهی در مراسمی برای تجلیل از شهدا در شهر صالح‌آباد واقع در ۳۰ کیلومتری ایلام حضور داشتند، و فرصتی برای لیبرال‌ها و جریان نفاق در شهر ایلام فراهم شد تا برای اعلام حضور خود و پشتیبانی از بنی‌صدر برای ساعاتی در شهر ایلام عرض اندام کنند.

درگیری در سطح شهر بین مردم و نیروهای طرفدار بنی‌صدر آغاز شد. عناصر لیبرال و جریان نفاق با حمله به مراکز و کتاب‌فروشی‌ها و برخی اماکن دولتی، شهر را به حالت نیمه جنگی درآوردند به گونه‌ای که هلی‌کوپتر حامل بنی‌صدر با مشاهده دود و آتش در چند نقطه شهر و نبود مرکزی برای استقبال از آن‌ها، از فرود در شهر صرف‌نظر کرد و راهی شهر صالح‌آباد مهران شد تا به یکی از برنامه‌های از پیش تعیین شده خود برسد، غافل از این که جمعیت حاضر در مزار شهدای ایلام در این مکان جز خانواده‌های شهدا و عناصر حزب‌اللهی نیستند. بالگرد بنی‌صدر در کنار مزار شهدا به زمین نشست، بنی‌صدر در حلقه محافظان تصمیم داشت تا خود را به جایگاه برساند که با شعار خانواده‌های شهدا روبرو شد. «فرمانده کل قوا، خمینی روح خدا» و «مرگ بر ضد ولایت فقیه» گویای همه چیز برای بنی‌صدر بود؛ تلاش جمعی از نیروهای حزب‌اللهی برای تعرض به بنی‌صدر او را مجبور به فرار کرد. تاریخ نگار معاصر استاد علی دوانی در خصوص این واقعه می‌نویسد:

«... شاید مردم ایران به یاد داشته باشند که ابوالحسن بنی‌صدر، آن عنصر فرومایه و پرمدعا و متأسفانه اولین رئیس جمهور بعد از انقلاب، پس از آن شگردها و دون‌کیشوت‌بازی‌ها و آن تلخی‌ها که از سخنان و حرکاتش آن هم در اوایل جنگ تحمیلی به خورد مردم انقلابی ایران داد تا جایی که کاسه صبر مردم لبریز شده بود، وقتی به همین صالح‌آباد و امام‌زاده علی صالح (ع) رفت که در مراسم شهدا مثلاً شرکت کند، باز از آن سخنان واهی زده، رزمندگان قهرمان و انقلابی ایلام و مهران که فساد وجود بنی‌صدر را از زبان آیت‌الله حیدری، رهبر روحانی خود، شنیده بودند با وی درگیر شدند و از سخنرانی‌اش جلوگیری کردند و سقوط او هم از همین جا پی‌ریزی شد؛ زیرا

... در امتحان معلوم می‌شود کی

در خط اسلام است کی در خط کُفر است، خط آمریکا خط کفر است، خط شوروی خط کفر است، خط صدام خط کفر است، خط گروهک جبهه‌ملی خط کفر است؛... ای عار و خذل و ننگ بر این عقل و این رهبرانی که این گروهک‌ها را رهبری می‌کنند و به این افرادی که اغفال این‌ها می‌شوند، امیدواریم جوان‌هایی که اغفال این‌ها نشده‌اند تنبه پیدا کنند، روشن شوند، دیگر زیر سیطره و پرچم این کفار نروند و برگردند

پس از این وقایع، خبر مجروحیت رهبر معظم انقلاب آیت‌الله خامنه‌ای و شهادت یار دیرینه‌اش شهید بهشتی به همراه هفتاد و دو تن از یاران صدیق انقلاب، آیت‌الله حیدری و مردم ایلام را به شدت اندوهناک کرد.

سخنرانی آیت‌الله حیدری در جمع سوگواران شهدای هفتم تیر به دنبال سخنرانی تاریخی امام خمینی (ره) درباره شهید بهشتی و شهدای مظلوم هفت تیر، بار دیگر صف‌آرایی دو جبهه حق با باطل را از آغاز تاریخ تا به امروز ترسیم کرد. آیت‌الله حیدری در جمع مردم سوگوار چنین گفت:

«... برادران ما رفتند و به درجه‌عالی شهادت رسیدند، ما هم اگر خدا توفیق دهد و سعادت یاری کند منتظر همین شهادت هستیم که در راه حق و حقیقت و اسلام و عقیده و قرآن به این مقام عالی برسیم. زهی سعادت!»

وی در بخش دیگری از این سخنان خود واقعه هفتم تیر را آغاز امتحان الهی برای روشن شدن خط بین اسلام و

چند روز بعد از این واقعه بود که مجلس شورای اسلامی رأی به بی‌کفایتی او داد و از منصب ریاست جمهوری و فرماندهی کل قوا خلع شد و با رسوایی در حالی که چادر به سر داشت از ایران گریخت. من این واقعه را از کرامات امام‌زاده علی صالح (ع) می‌دانم، با آفرین گفتن به مردم قهرمان ایلام و مهران و آن نواحی دلیرپرور و رزمندگان دلاور و تربیت‌یافتگان مرحوم آیت‌الله حیدری رحمت‌الله علیه».

بالگرد بنی‌صدر، صالح‌آباد ایلام را به مقصد نامعلومی ترک کرد و این آخرین باری بود که بنی‌صدر به عنوان رئیس جمهور در میان مردم حاضر شد. گویا تقدیر چنین بود تا ارواح پاک شهدا و نفس گرم آیت‌الله حیدری و خانواده شهید، آخرین روز فرماندهی کل قوا و به دنبال آن آخرین روزهای ریاست جمهوری بنی‌صدر را ورق بزنند. خشم مردم وقتی دو چندان شد که اخبار رادیو سراسری از استقبال مردم ایلام از بنی‌صدر سخن گفت. مردم خشمگین بلافاصله با تجمع در برابر صدا و سیما مرکز ایلام خواستار مخابره صحیح اخبار و وقایع رخ داده در صالح‌آباد و شهر ایلام شدند. ساعتی بعد با اصلاح خبر قبلی در اخبار سراسری، از برخورد مردم ایلام با بنی‌صدر، و شعار «فرمانده کل قوا خمینی روح خدا» و ترک مزار شهدا به مقصدی نامعلوم سخن گفته شد. صبح روز ۲۰ خرداد ۱۳۶۰ امام خمینی (ره) فرمانی چنین صادر کردند:

«بسم‌الله الرحمن الرحمن الرحیم ستاد مشترک نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران آقای ابوالحسن بنی‌صدر، از فرماندهی نیروهای مسلح برکنار شده‌اند. روح‌الله الموسوی‌الخمینی»

پس از این حکم، مجلس در ۳۱ خرداد ۱۳۶۰ بنا بر وظیفه قانونی رأی به عدم کفایت سیاسی بنی‌صدر داد و امام خمینی (ره) طی حکمی او را از ریاست جمهوری عزل کردند.

کفر خواندند و خواستار بازگشت اغفال شدگان به دامان اسلام شدند. آیت‌الله حیدری در این باره گفته است:

«... در امتحان معلوم می‌شود کی در خط اسلام است کی در خط کُفر است، خط آمریکا خط کفر است، خط شوروی خط کفر است، خط صدام خط کفر است، خط گروهک جبهه‌ملی خط کفر است؛... ای عار و خذل و ننگ بر این عقل و این رهبرانی که این گروهک‌ها را رهبری می‌کنند و به این افرادی که اغفال این‌ها می‌شوند، امیدواریم جوان‌هایی که اغفال این‌ها نشده‌اند تنبه پیدا کنند، روشن شوند، دیگر زیر سیطره و پرچم این کفار نروند و برگردند».

از جمله تلاش‌های یاران امام (ره) و مردم انقلابی ایلام، پس از وقایع تلخ گذشته، روی کار آمدن رئیس جمهوری مکتبی و برخاسته از متن مردم بود، که با انتخاب شهید محمدعلی رجایی به بار نشست. این بار نیز جامعه روحانیت مبارز ایلام از میان چهار کاندیدای ریاست جمهوری؛ آقایان رجایی، پرورش، شبیانی و عسکر اولادی، آقای محمدعلی رجایی را همگام با سایر تشکلهای برای تصدی کرسی ریاست جمهوری در تاریخ ۱۳۶۰/۴/۲۲ به مردم معرفی کردند.

متعاقب این اعلام و زمزمه‌های جریان شکست‌خورده لیبرال و جبهه نفاق مبنی بر شرکت نکردن مردم و یا فرمایشی اعلام کردن انتخابات، مردم اقصی نقاط استان با فرستادن پیام‌های گوناگون به جامعه روحانیت ایلام بار دیگر وفاداری خود را به نظام و ارزش‌های اسلامی اعلام کردند.

پی‌نوشت‌ها

۱. راوی: واعظ مشهور مرحوم حسین حیدری کاشانی، سیری در آفاق، زندگی‌نامه آیت‌الله بهاء‌الدینی، یاران امام به روایت ساواک، ص ۸۱
۲. گلشن ابرار، ج ۲، ص ۹۰۷.

منبع

۱. آیت‌الله شیخ عبدالرحمن حیدری ایلامی، یاران امام به روایت اسناد ساواک.